

مسکوکات سلسله دوم صفاری در سیستان^(۱)

نویسنده: جان واکر^(۲)

مترجمان: روح... شیرازی دکتر برات دهمرده

عضو هیأت علمی باستانشناسی سیستان و بلوچستان استادیار تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

مقاله حاضر بررسی کوتاهی نست که در باره خاندان دوم صفاری بر مبنای شواهد سکه‌شناسی انجام شده است. تعداد ۵۷ سکه که هم‌اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، در این بررسی مورد توجه قرار گرفته است. تأسفانه هنوز هیچ کوششی برای جمع‌آوری اطلاعات پراکنده در باب این موضوع به عمل نیامده است. پس ضروری به نظر می‌رسید که به این موضوع اشاره گردد؛ ضمن اینکه در برخی منابع نیز سکوت عمده‌ی درباره‌ی برخی از حکام این سلسله وجود داشته است.

سلسله نخست صفاری را یعقوب بن الیث، ملقب به رویگر (الصقار) رهبر سابق عیاران پایه‌گذاری نمود و موفق گردید سیستان را در سال ۲۵۲ ه‍.ق تصرف نماید. پس از وی برادرش، عمرو، و سپس طاهر بن عمرو به حکومت رسیدند. این سلسله در سال ۲۹۶ ه‍.ق به پایان رسید. حاکمان سلسله دوم صفاری پس از این تاریخ برای تصرف و ابقاء خویش در سیستان به مبارزه پرداختند. فهرست سکه‌هایی که در این مقاله آمده است، در بردارنده سکه‌های بی‌نظیری است که تاکنون در جای دیگر معرفی نشده است.

هنگامی که لین‌پول در سال ۱۸۷۷ م جلد ۳ فهرست سکه‌های شرقی را منتشر نمود، موزه بریتانیا تنها ۱۴ نمونه از مسکوکات حاکمان صفاری سیستان را (۳۹۹-۲۹۶ ه.ق/۱۰۰۸-۹۰۸ م) در اختیار داشت. این تعداد اکنون بیش از سه برابر شده و بزرگترین مجموعه این سکه‌های نادر در تمامی موزه‌های جهان است.

نمونه‌های افزوده شده به این سکه‌ها، دو مجموعه خصوصی است که از آن آقایان: جی. پی. تیت و سرهنگ سرهتری مکماهون می‌باشد. اگرچه دکتر اولیور کودرینگتون یادداشت‌هایی درباره تعداد زیادی از این سکه‌ها در مجله انجمن آسیایی سلطنتی در سال ۱۹۰۵ (صص ۵۱-۵۴۹) و ۱۹۱۱ (صص ۳-۷۸۱) منتشر نمود؛ با این حال وی ناتوانی خود را در قرائت نوشته‌های حاشیه این سکه‌ها که لین‌پول را نیز سردرگم نموده بود، اعلام کرد. پس از بررسی دقیق مواد جمع‌آوری شده تصمیم به کشف رمز این سکه‌ها گرفتم و سرانجام یکی از این سکه‌ها، عبارت قرآنی جدیدی را آشکار نمود که تاکنون بر روی سکه‌های اسلامی ناشناخته بوده است و این خود بهانه‌ای برای انتشار این مجموعه فراهم آورد. علاوه بر آن مسائل گاه‌شماری و انتساب سکه‌ها وجود دانت و عاقلانه آن بود که برای روشن نمودن ابهامات موجود، تمامی اطلاعات سکه‌شناسی در رابطه با سلسله دوم صفاریان سیستان (هر چند من از به‌کار بردن این اصطلاح رها هم دارم) جمع‌آوری شود.

هنوز هیچ کوششی برای گردآوری اطلاعات پراکنده موجود در گزارشات تاریخی راجع به این حکام صورت نگرفته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد سکوتی عمدی درباره آنان وجود داشته است. جوزجانی، نویسنده طبقات ناصری، در حقیقت از ذکر کامل نام آنها چشم‌پوشی کرده است؛ هر چند او از سلسله اول صفاری و نیز از حاکمان بعدی نیمروز (سیستان) یاد کرده است؛ اما بوختر در دائرةالمعارف اسلام گزارش مختصری درباره برخی از این ملوک در مقالانش راجع به سیستان و سامانیان ارائه کرده است. هبگ در مقاله خود از آنها تنها در یک جمله یاد کرده است. به طرز شگفت‌آوری کتاب سلسله‌های اسلامی لین‌پول (۱۸۹۴) اشاره‌ای به افراد این خاندان نکرده است؛ اگرچه او در زیرنویس (ص ۱۳۰) به تلیخیص، به مقاله «یک فلس غیر معروف

صفاری» از «سور» اشاره می‌کند.

به هر حال این نقیصه را زامبور در کتاب خود (Manuel de Genealogie (PP.200-1 برطرف کرده است. وی فهرستی از ملوک بعدی سیستان در این دوره و نیز کتابنامه و جدول نسب‌شناسی سودمندی ارائه داده است. چارچوب جدول نسب‌شناسی این سلسله که در پایان آنرا اضافه نموده‌ام، بیشتر بر کتاب زامباور و به میزان کمتری بر اثر یوستی *Iranisches Nahmenbuck* (1895, P.439) مبتنی بوده است؛ هر چند حروف نویسی اسامی خاص عربی متفاوت است. همچنین در این مجموعه، سکه‌هایی را از دو حاکم شورشی: کثیر بن احمد (شماره ۴) و حسین بن طاهر (شماره ۵۵) افزوده‌ام.

بی‌شک شرح مختصر رویدادهای تاریخی این دوره مفید خواهد بود: سلسله نخست صفاری را یعقوب بن الیث ملقب به رویگر (الصفار) رهبر سابق عیاران پایه‌گذاری نمود، و موفق شد سیستان را در سال ۲۵۳ ه‍.ق / ۸۶۷ م تصرف نماید. پس از وی برادرش عمرو و طاهر بن عمرو، با عنوان سلسله نخست به حکومت رسیدند. می‌توان گفت، این سلسله در سال ۲۹۶ ه‍.ق / ۹۰۸ م به پایان رسیده است. این سه حاکم در جدول ضمیمه با حروف الف، ب، ج مشخص شده‌اند.

حاکمانی که می‌توان آنها را سلسله دوم صفاری نامید، برای تصرف مجدد و نیز ابقاء خویش در سیستان به مبارزه برخاستند. از چهار تن از شش حاکم سلسله دوم (که در جدول با شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ نشان داده شده‌اند) و نیز از دو حاکم غاصب، که در بالا به آنان اشاره شد، سکه‌هایی موجود است. اگر چه دوره‌ای که با آن روبرو هستیم دوره پراشویی است؛ با این حال جدول بندی مقدماتی سکه‌های سلسله نخست صفاری در موزه بریتانیا (۱۲ عدد از این سکه‌ها تاکنون فهرست نشده است) می‌تواند رهیافت مفیدی برای این موضوع خاص باشد. = [B.M.Cat. فهرست موزه بریتانیا جلد II، یا جلد IX = N.Cat. = فهرست نشده. در هر مورد نام خلیفه عباسی بن‌داد، حاکم اسمی و یا حاکم صفاری را بر رو یا پشت سکه مشخص کرده‌ام].

V=Vasmer: uber die Munzen der saffariden und saffariden und ihrer Gegner in Fars und Hurasan in Numismatische Zeitschrift, Vienna, 1930, PP.131-162.]

در دورهٔ مورد بحث، خلافت عباسی در بغداد روزگار پریشانی را سپری می‌نمود. هر چند نام خلیفه را حاکمان وقت غزنوی، آل بویه، سامانی و صفاری، بر سکه‌هایشان ضرب می‌نمودند؛ اما حاکمیت دستگاه خلافت از طرف امرای مزبور بندرت به رسمیت شناخته می‌شد. در زیر فهرستی از اسامی خلفای بغداد ارائه شده است که بر روی سکه‌های امرای صفاری (اعم از سلسلهٔ نخست و دوم) شناسایی شده است:

المعتد علی الله	۲۷۹-۲۵۶ هـ ق/ ۸۹۲-۸۷۰ م
المعتض بالله	۲۸۹-۲۷۹ هـ ق/ ۹۰۲-۸۹۲ م
المکتفی بالله	۲۹۵-۲۸۹ هـ ق/ ۹۰۸-۹۰۲ م
المقتدر بالله	۳۲۰-۲۹۵ هـ ق/ ۹۳۲-۹۰۸ م
القاهر بالله	۳۲۲-۳۲۰ هـ ق/ ۹۳۴-۹۳۲ م
الراضی بالله	۳۲۹-۳۲۲ هـ ق/ ۹۴۰-۹۳۴ م
المتقی بالله	۳۳۳-۳۲۹ هـ ق/ ۹۴۴-۹۴۰ م
المستکفی بالله	۳۳۴-۳۳۳ هـ ق/ ۹۴۶-۹۴۴ م
المطیع لله	۳۶۳-۲۳۴ هـ ق/ ۹۷۴-۹۴۶ م
النطاع لله	۳۸۱-۲۶۳ هـ ق/ ۹۹۱-۹۷۴ م
القادر بالله	۴۲۲-۲۸۱ هـ ق/ ۱۰۳۱-۹۹۱ م

زامباور در اثرش (Contributions pt.I, p.14) به اشتباه اظهار می‌دارد که ظاهر، نوهٔ عمرو، به بغداد برده شد (۲۸۸ هـ ق) و در آنجا به قتل رسید (۲۸۹ هـ ق/ ۹۰۲ م)؛ هر چند وی اطلاع داشت (مقایسه شود با زیرنویس وی، همانجا) که سکه‌های این درزه به‌طور کامل در تناقض با این گفته‌ها می‌باشد. در همان مقاله، وی از گزارش بختصر مولر دربارهٔ صفاریان در انرش به نام

Der Islam im Morgon- und Abendland به نیکی یاد می‌کند. به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد، وی با این نوشته مولر (ص ۳۴) به گمراهی افتاده است:

"Ssedschestan allein Uberliess Motadid dem Tahir, einem Enkel des Amr; Tode dieser selbst Ward 288 (901) nach Bagdad geschafft und kurz nach dem chalifen (288=902) im Gefangnisse um gebracht."

در اینجا وی به روشنی ظاهر را با عمرو، پدر بزرگش، که در آن سال کشته شد، به اشتباه گرفته است (یوستی این قتل را به اشتباه سال ۹۰۸ م تاریخ گذاری می‌کند). در تاریخ ابن الاثیر (جلد ۸، ص ۴۲) می‌خوانیم که شبکری، رقیب ظاهر، وی را دستگیر و همراه برادرش، یعقوب به بغداد نزد مقتدر، خلیفه عباسی فرستاد. بنا به گفته همان مورخ (جلد ۸، ص ۱۰۰) خلیفه در سال (۳) ۳۱۰ طاهر و یعقوب را خلعت بخشید.

می‌توان گفت با دستگیری طاهر و برادرش، یعقوب، سلسله نخست به پایان رسیده است؛ هر چند عمرو، پسر یعقوب، چنانکه خواهیم دید، در سال ۳۰۰ هـ ق / ۹۱۲ م برای یک مدت کوتاه نه ماهه از سوی شورشیان سیستان به حکومت انتخاب شد؛

سلسله نخست صفاری

یعقوب بن الیث (۲۶۵-۲۵۳ هـ ق / ۸۷۹-۸۶۷ م)

پشت سکه	روی سکه	ارجاع	سال	ضرابخانه	فلز
المعتمد علی الله	الامیر یعقوب	N.C.=V.10	۲۶۴	اهواز	نقره
المعتمد علی الله	یعقوب	B.M.C.=V.3	۲۶۰	بنجهیر	نقره
المعتمد علی الله	یعقوب	B.M.C.=V.6	۲۶۴	فاریس	نقره

عمرو بن الیث (۲۸۸-۲۶۵ هـ ق / ۹۰۰-۸۷۹ م)

المعتمد علی الله	الموفق بالله	B.M.C.=V.36	۲۷۵	جنازه	طلا
محمد پسرالموفق بالله	عمرو بن الیث (۲)				
المعتمد علی الله	الموفق بالله	B.M.C.=V.37	۲۷۵	ارجان	نقره
محمد پسرالموفق بالله	عمرو بن الیث				
المعتضد بالله	عمرو بن الیث	N.C.=V.46	۲۸۰	شیراز	نقره
المعتضد بالله	عمرو بن الیث	N.C.=V.53	۲۸۱	شیراز	نقره
المعتمد علی الله	الموفق بالله	N.C.=V.23	۲۶۷	فاریس	نقره
	عمرو				
المعتمد علی الله	المعتمد علی الله	N.C.=V.33	۲۷۳	فاریس	نقره
عمرو بن الیث	محمد بن عمرو (۳)				
المعتمد علی الله	الموفق بالله	N.C.=V.15	۲۶۹	نیشابور	نقره
عمرو	منصور (۴)				
المعتضد بالله	ابو حفص، عمرو بن الیث	N.C.=V.65	۲۸۲	نیشابور	نقره
	(۵)				

۲- الموفق برادر و جانشین خلیفه المعتمد بود. نام پسرش احمد، که جانشین عمویش به عنوان خلیفه جانشین، المعتضد گردید، بر پشت سکه ظاهر می شود.

۳- محمد، پسر عمرو در سال ۲۷۴ هـ ق هنگام عقب نشینی از مقابل نوای خلیفه درگذشت.

(Ibn al-Athir VII,298).

۴- ابو طلحه منصور، نماینده عمرو.

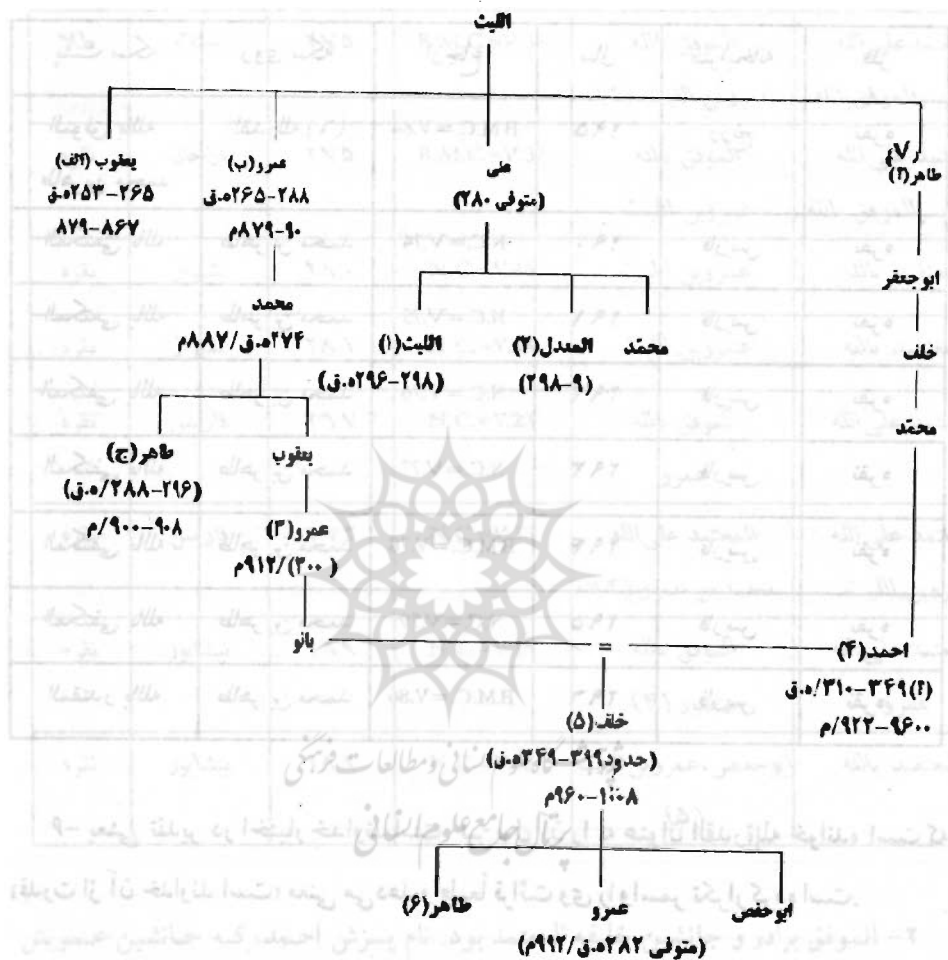
۵- در اینجا به عمرو، کنیه ابو حفص داده شده که به معنی پدر حفص است.

طاهر بن محمد (۲۹۶-۲۸۸ ه‍.ق / ۹۰۸-۹۰۰ م)

پشت سکه	روی سکه	ارجاع	سال	ضرابخانه	فلز
الموفق بالله طاهر بن محمد	القدرلله (۶)	B.M.C.=V.84	۲۹۵	زرنج	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	N.C.=V.74	۲۹۰	فاریس	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	N.C.=V.75	۲۹۱	فاریس	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	N.C.=V.76	۲۹۲	فاریس	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	N.C.=V.77	۲۹۳	فاریس	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	B.M.C.=V.78	۲۹۴	فاریس	نقره
المکتفی بالله	طاهر بن محمد	N.C.=V.79	۲۹۵	فاریس	نقره
المقتدر بالله	طاهر بن محمد	B.M.C.=V.86	۲۹۶	فاریس	نقره

۶- یعنی تقدیر در اختیار خداوند است. لین پول آن را به عنوان القدره لله خوانده است که «قدرت از آن خداوند است» معنی می دهد و طبعاً قرائت وی را واسم تکرار کرده است.

جدول نسب‌شناسی سلسله‌های نخست و دوم صفاری



۷- بنگرید به یادداشت مقاله تیسنهوزن (Tiesenhhausen) در:

Zeitschrift, III, p.178; Numismatische

همچنین بنگرید به منبع شماره ۱۱. نسب‌شناسی یوستی در این شاخه اشتباه است. در صورتی که بانو، دخترش، مادر خلف، مشهورترین فرد سلسله دوم بود.

ابن لاثیر (جلد ۸، ص ۴۴) چنین می‌گوید که در سال ۲۹۷ هـ ق / ۹۱۱ م لیث بن علی به سمت ایالت ترومنند فارس پیشروی کرد و شبکری را تا ازجان عقب راند. وقتی این خیر به بغداد رسید، خلیفه سپاهی به فرماندهی مونس به مقابله با وی اعزام داشت، که با موفقیت، سپاهیان سیستانی را منهزم نمود و لیث فرمانده آنها را دستگیر و به بغداد برد. تنها سه سکه از این تاریخ موجود است. یکی از این سکه‌ها در موزه بریتانیا (شماره ۳) است، و تاریخ ۲۹۸ هـ ق / ۹۱۰ م را نشان می‌دهد، و احتمال دارد که این سکه در شهر بست پیش از آنکه اخبار نکست‌های جدید برسد یا به احتمال زیاد، به عنوان نشانه‌ای از وفاداری شهروندان به لیث بن علی، رواج یافته باشد.^(۴)

معدّل، یکی از برادران لیث، با عنوان صاحب یا حاکم سیستان ادر سال ۲۹۸ هـ ق / ۹۱۰ م) جانشین وی گردید. در همان سال معدّل شاهد پیشروی^(۵) سامانیان از بخارا به سرکردگی حسین بن علی، فرمانده سپاه احمد بن اسماعیل بود. برادر سوم محمد مأموریت داشت تا نواحی اطراف شهرهای بست و الزخج را در مقابل نیروهای مهاجم محافظت نماید. به هر حال فرمانده سپاه سامانی پیروز گردید و هنگامی که معدّل خبر شکست و اسارت محمد، برادرش را شنید، او نیز تسلیم شد. معلوم نیست که آیا وی در دوره کوتاه حکومتش سکه‌هایی ضرب نموده است یا نه. یکی از نخستین اقدامات امیر احمد سامانی پس از تسلیم شدن معدّل، انتصاب منصور بن احمد (پسرعمویش) به حکومت سیستان بود؛ اما سیستان در این زمان سرزمینی ناآرام بود. در سال ۳۰۰ هـ ق / ۹۱۲ م ابن هرمز، یکی از خوارج سیستان، شورش به نفع صفاریان به راه انداخت. آنان به فرماندهی یک ماجراجوی قدرتمند، به نام ابن الحفّار، کنترل اوضاع را به دست گرفتند. منصور حاکم سامانی را به زندان افکنده و سیستان را به عمرو، پسر یعقوب، که در اسارت بود، واگذار نمودند و به این ترتیب وفاداری خود را به امرای صفاری نشان دادند.

این امر منجر به نهاجم مجدد حسین بن علی، فرمانده سپاه سامانی گردید که این بار زرنج، پایتخت سیستان را به مدت نه ماه محاصره نمود. عمرو و سپهسالارش، ابن الحفّار، خواه به دلیل مرگ زودهنگام ابن هرمز، محرک مذهبی‌شان و یا به دلیل سختی‌های محاصره، خواستار سازش شدند. این دو از این پس در نقش اسیر از صحنه تاریخ محو گردیده و یک حاکم سامانی جدید

به‌نام، سیمجور الدواتی، به حکومت سیستان گماشته شد. جای تعجب نیست که از این شورش مصیبت بار، مدرک سکه‌شناسی موجود نمی‌باشد.

احمد بن اسماعیل، امیر سامانی، در سال ۳۰۱ هـ.ق/۹۱۳ م به قتل رسید و نصر، پسر هشت ساله‌اش به‌عنوان ولیعهد پس از وی به جای ماند. روش ماهرانه که در آن موقعیت حساس انتخاب جانشین، احمد بن محمد یکی از اعضاء خاندان صفاری- که در آن زمان متولی امر در بخارا^(۶) بود- در ثبات این کودک و حشتمزده به کار برد؛ چنانکه خواهیم دید، چند سال بعد پاداش بزرگی را برای او به‌دنبال داشت. بحران سلسله سامانی باعث هزیمت سیمجور الدواتی از سیستان گردید و از قرار معلوم، خلیفه المقتدر فرصت را مغتنم شمرده و نماینده خود، بدرالکبیر را به‌عنوان حاکم این سرزمین منصوب نمود. (Ibn al Athir, VIII, 59).

سرنوشت سیستان در این دوره به گونه‌ای بود که نمی‌توانست مدت زیادی در آرامش به سر برد. در سال ۳۰۴ هـ.ق/۹۱۶ م فردی شورشی به نام کثیر بن احمد^(۷) که ظاهراً از خاندان صفاری نبود، سر به طغیان برداشت؛ بغداد بی‌درنگ خواستار مقابله با وی گردید. لشکر فارس کثیر را شکست داد؛ اما وقتی مردم سیستان شنیدند که زید، فرستاده خلیفه، مالیاتها را افزایش داده و قصد دارد سرکردگان آنان را به غل و زنجیر کشد، به کثیر پیوسته، نیروهای خلیفه را وادار به عقب‌نشینی نموده و به طرزی ننگ‌آور، زید را در بند کردند.

کثیر نامه‌ای به خلیفه نگاشت و سعی نمود خود را تبرئه نموده و گناه را به گردن مردم اندازد. در پاسخ، خلیفه به بدر بن عبدالله حاکم فارس، فرمان داد تا شخصاً به همراه سپاهیان متوجه سیستان گردد. کثیر به محض شنیدن این خبر، هراسان شد و پذیرفت که سالیانه ۵۰۰/۰۰۰ درهم بپردازد و در مقابل، به حکومت سیستان منصوب شود. [Ibn al Athir, VIII, 77] هیچ‌گونه مدرکی از مدت زمان حکومت او موجود نیست؛ اما سکه شماره ۴ نشان می‌دهد که نامبرده تا دو سال بعد، بر مسند قدرت بوده است (۳۰۶ هـ.ق/۹۱۸ م).

سور^(۸) بر اساس نوشته ابن‌اثیر، امیری جدید برای سیستان به‌نام عمرو بن الیث در سال

۲۰۷ بر می شمارد. به نظر می رسد در این مورد گفته وی نادرست و خطای او از اینجا ناشی می شود که نتونسته است مطلب ابن اثیر را به خوبی درک نماید. ابن اثیر در ذیل سال ۳۰۷ ه.ق/۹۱۹م، داستان احمد بن سهل، نماینده پیشین عمرو بن الیث را در مرو بازگو نموده است. ظاهراً عمرو وی را دستگیر نموده و به سیستان فرستاد تا در آنجا محبوس گردد. به احتمال، سور از درک این مطلب آنچنانکه ابن اثیر با تأکید آن را بیان می دارد (ص ۶۸ و نحن نذکر حاله من اوله) عاجز مانده؛ او تاریخ احمد را مربوط به قبل از سال ۳۰۷ می داند. عمرو بن الیث، که ذکر او گذشت، کسی غیر از دومین حاکم سلسله نخست صفاری که در سال ۲۸۹ ه.ق/۹۰۱م در بغداد به قتل رسیده است، نیست.

در ۳۱۰^۹ ه.ق نصر، امیر سامانی، که به اوج قدرت رسیده بود، احمد بن محمد هم پیمان صفاری اش را به حکومت سیستان منصوب نمود و به این ترتیب از احمد به دلیل کمک هایش در رسیدن به تخت سلطنت پدر قدردانی نمود. این خود انتخابی مردمی بود؛ زیرا سیستانیان، که در این دوره به طور مداوم میل و اشتیاق خود را از دست می دادند، بازگشت یکی از اعضای خاندان صفاری را به وطن گرامی داشتند. زمامداری وی تا ده سال پس از این (۳۲۰ ه.ق/۹۳۲م) بدون هیچ گونه مدرک سکه شناسی ادامه می یابد. پس از این تاریخ، تا زمان مرگ وی در سال ۳۴۹ ه.ق/۹۶۰م نام او تقریباً به طور منظم بر زوی سکه های سیستان به چشم می خورد.

این واقعیت که احمد چند سال قبل، موقعیت خود را به عنوان حاکم سیستان تثبیت نموده، ممکن است از اشاره های مختصر مورخین استنباط شده باشد، که البته سکه های مورد بحث مکمل آن هستند. می دانیم که در سال ۳۱۶ ه.ق/۹۲۸م،^(۱۰) یکی از خوارج ناشناس سیستان در صدد برآمدن در رأس سپاهی به سمت ابالت فارس پیشروی نماید؛ اما قبل از اینکه وی بدانجا رسد، سپاهیان وی را به قتل رسانده و لشکرکشی بی سرانجام رها شد. از همان منبع چنین می آموزیم (VIII, p.164) که در سال ۳۱۸ ه.ق/۹۳۰م خلیفه مقتدر، پسرش هارون را به عنوان حاکم فارس، کرمان، سیستان و مکران منصوب نمود؛ هر چند در سال بعد (۳۱۹ ه.ق/۹۳۱م) وی ابوبکر محمد بن یاقوت را به حکومت سیستان انتخاب کرد. (Ibid, p.165). اگر چه این سکه ها در

این باره اشاره‌ای ندارند.

از طرف دیگر بر روی برخی سکه‌های سالهای ۳۲۱-۳۲۰ ه.ق / ۹۲۲م، در کنار نام احمد بن محمد، نام دیگری با عنوان الحسین بن بلال به چشم می‌خورد که در منابع تاریخی ذکری از او به میان نیامده است. پرفسور واسمر از لنینگراد، که در این باره اطلاعات سودمندی به من داده است، اعلام نمود که حدود دوازده سال قبل، زمان طولانی را در جستجوی یافتن اطلاعاتی درباره این شخصیت تاریخی مصروف داشته است؛ اما در این مورد هیچ‌گونه موفقیتی به دست نیاورده است. از این رو، الحسین بن بلال باید به صورت یک معمای تاریخی باقی بماند. به هر حال، او هر کسی که بوده باشد، در سال ۳۲۱ ه.ق نام ابو جعفر (پدر جعفر) جایگزین نام وی می‌شود که کنیه احمد بن محمد است و اشاره به پسرش جعفر دارد. نکات جالبی درباره مسکوکات احمد بن محمد وجود دارد؛ یکی از این نکات وجود نام خلف است. نام خلف همراه یا بدون نام حاکم، احمد بن محمد و کنیه اش ابو جعفر به چشم می‌خورد. خلف هم نام پدر بزرگ و هم نام پسر مشهور احمد می‌باشد که جانشین او گردید. شاید ظهور این نام بر روی برخی سکه‌های طلای اولیه (شماره‌های ۷،۶،۵) مؤید این حقیقت باشد که خلف بن احمد در همین دوره زاده شده است (۳۲۶ ه.ق / ۹۳۷م).

نکته جالب دیگر از نظر اهمیت تاریخی، در سکه‌های شماره ۴۱ و ۴۲ به چشم می‌خورد. با وجود اینکه کودرینگتون دو سکه شماره ۴۱ و ۴۲ را ناخوانا اعلام نموده است، این دو سکه بطور قطع تاریخ ۳۴۶ ه.ق را دارد؛ ولی سکه شماره ۲۰ که قطعه‌ای از آن در ارمیتاژ موجود است، متعلق به سال ۳۴۹ ه.ق است. این سکه‌ها به نام خلف بن احمد، با نام خلیفه و خلف رواج داده شده است. زامباور تقریباً سال ۳۴۲ ه.ق / ۹۵۵م را آخرین سال حکومت احمد دانسته است؛ اما این سکه‌ها به طور قطع ثابت می‌کند که وی تا سال ۳۴۹ ه.ق / ۹۶۰م زنده و در رأس حکومت بوده است. ظهور مجدد نام خلف در اواخر این دوره، به نظر می‌رسد اشاره به نفوذ سیاسی زیاد این ولیعهد دارد. اینکه خلف در چه سالی جایگزین پدر شده، در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. کتب تاریخی^(۱۱) حکایت از آن دارند که خلف بن احمد در سال ۳۵۳ ه.ق / ۹۶۴م از سوی منصور بن نوح سامانی به حکومت سیستان منصوب شده است؛ اما قدیمی‌ترین سکه‌های شناخته شده از

خلف بن احمد متعلق به ده سال پس از این هستند (شماره‌های ۴۳ و ۴۱). نظر به این حقایق احتمالاً احمد در سال ۳۵۲ هـ ق / ۹۶۴ م در گذشته است.

کودرینگتون (مجله انجمن سلطنتی آسیایی، ۱۹۱۱، ص ۷۸۲) به سکه‌ای مفرغین از احمد بن محمد اشاره کرده است که روی سکه با ستاره نش پری که از یک دایره مرکزی منشعب و دوایر برجسته کوچکی میان شعاعهای آن قرار دارد، تزئین شده است. او تاریخ آن را سال ۳۸۸ هـ ق خوانده است. متأسفانه وی تصویری از این سکه ارائه نکرده و این نمونه در میان سکه‌های مجموعه مکماهون که در موزه بریتانیا موجود است، نیز به چشم نمی‌خورد. اینکه این سکه در کجا نگهداری می‌شود، برای من نامعلوم است؛ اما با توجه به توصیف وی از روی سکه، بدون تردید و با قاطعیت می‌توان اعلام نمود که سکه مورد بحث نه یک سکه صفاری؛ بلکه سکه‌ای عباسی است که در حقیقت به ظاهر شبیه نمونه‌ای است که لاو و معرفی نموده و به سال ۱۹۴ هـ ق در سجستان ضرب شده؛ اما دارای تاریخی همسان نمی‌باشد:

Lavoix, ca: des Monnaies musulmanes vol. I, paris, 1887, No. 1593, plate IX.

مشهور است که خلف بن احمد، امیر دیگر صفاری، یکی از روشن‌اندیش‌ترین مردان دودمانش بوده است.^(۱۲) یاقوت (III, p. 44) نام وی را ابواحمد خلف بن احمد بن خلف بن اللیث بن فرقد السجری ذکر نموده و به این ترتیب چند نسل را از شجره خانوادگی او حذف نموده است (بنگرید به صفحه ۱۶۸). وی همچنین می‌نویسد که خلف در عین حال که امیر سیستان بوده، در زمره فرهیخته‌ترین و محترم‌ترین مردان روزگارش به شمار می‌آمده است. البیرونی^(۱۳) ضمن ذکر حادثه ناگواری که بین او و امیر سامانی، نوح بن منصور رخ داده، این واقعت را ثبت نموده که خلف لقب ولی‌الدوله داشته است، که با نمونه سکه برلن همخوانی دارد (شماره ۵۶). روابط خلف با دربار سامانی همواره رسمی و اجباری بود و اوضاع سیاسی سیستان به ندرت برای او موقعیتی فراهم می‌آورد که از نظر سیاسی احساس امنیت و آرامش نماید؛ حتی پسرانش چنانکه خواهیم دید بر وی شوریدند. در نهایت خلف قبل از حمله محمود غزنوی به سیستان، در سال ۳۹۳ هـ ق / ۱۰۰۲ م تضعیف گردید. او چند سال دیگر هنوز زنده بود و سرانجام در سال ۳۹۹ هـ ق / ۱۰۰۸ م روی در نقاب خاک کشید.

بررسی مختصر رویدادهای دوران حکومت پر آشوب وی می‌تواند به عنوان بستری مناسب جهت مطالعه سکه‌های این دوران، که در زیر توصیف شده است، بکار آید. خلف مدت کوتاهی پس از به قدرت رسیدن در سال ۳۵۳ ه. ق، حکومت را به یکی از نزدیکان سببی‌اش به نام طاهر بن حسین و انهادر خود جهت انجام مناسک حج، همچون مسلمانی متدین عازم مکه گردید. پس از بازگشت در سال بعد (۳۵۴) طاهر که بر علیه وی شوریده بود، او را از حکومت خلع نمود. اگر چه خلف به کمک امیر سامانی، نوح بن منصور حاکم بخارا، موفق گردید برای مدت کوتاهی قدرت را باز پس گیرد؛ ولی به دنبال شورش دیگری که بر علیه او صورت گرفت، بار دیگر برای گرفتن کمک به جانب بخارا شتافت. در این زمان مهم و حساس، طاهر درگذشت و پسرش حسین که شورش را پس از پدر ادامه داد، جانشین او شد. نمونه‌ای از سکه‌های طلای وی در زیر توصیف شده، است (شماره ۵۵). با این وجود، خلف یک بار دیگر موفق شد تا قلمروش را باز پس گیرد و حسین مجبور شد به دربار سامانی پناهنده شود. مدتی آرامش نسبی برقرار بود؛ اما به محض اینکه خلف از ارسال خراج و پیشکش خودداری نمود، کشمکش دیرینه داخلی بار دیگر از سر گرفته شد. این بار سپاه سامانی به همراه حسین بن طاهر، شورش سابق، عازم سیستان گردید. خلف به ارگ زرنج پناه برد و نیروهای مهاجم، زرنج را به مدت هفت سال در محاصره گرفتند. نوح بن منصور سامانی، با طولانی شدن محاصره، ابوالحسن سپهسالار مشهور، پسر سیمجورالدواتی را که ذکر او گذشت، برای پایان دادن به این لشکرکشی طولانی به سیستان اعزام نمود. ابوالحسن که دارای روابط دوستانه‌ای با خلف بود، با زیرکی و با استفاده از یک تاکتیک مناسب به گونه‌ای عمل نمود که کار به شکست حسین بن طاهر انجامید و خلف را در موقعیتی قرار داد که توانست بار دیگر زمام امور سیستان را در دست گیرد.

اما گرفتاریهای خاندان وی بی پایان بود؛ عمرو، یکی از پسرانش که شکست سنگینی را از حاکم بویهی کرمان متحمل شده و با خواری به سیستان بازگشته بود، به زندان افکنده شد و به دلایلی نامعلوم در سال ۳۸۲ ه. ق / ۹۹۲ م به فرمان پدر به قتل رسید. پسر دیگر خلف به نام طاهر، در سال ۳۹۱ ه. ق / ۱۰۰۰ م بر وی شورید؛ او بار دیگر به یکی از ارگهایش پناه برد؛ خلف پسر ناخلف خود را با نیرنگ در کمینگاهی اسیر نمود و بر مبنای روایتی گفته شده که وی پسر را به

دست خود به قتل رسانند. به نظر می‌رسد این اقدام برای مردی که به تدین و فرهیختگی آوازه یافته بود، عملی بسیار غیرانسانی محسوب می‌شد.

به این ترتیب سکه مهم و بی‌همتایی را که در موزه ارمیتاژ (شماره ۵۷) نگهداری می‌شود، باید طاهر بن خلف پس از سال ۳۹۳ هـ ق رواج داده باشد؛ هر چند متأسفانه تاریخ و محل ضرب آن، هر دو از بین رفته است؛ زیرا نام محمود بر روی آن به چشم می‌خورد. سال ۳۹۳ هـ ق زمانی است که سیستان برای همیشه از خلف روی برگرداند. او مجبور به کناره‌گیری شد تا اینکه در سال ۳۹۹ هـ ق وفات یافت. اگر واقعات چنین باشد، پس طاهر باید شورش نافرجام خود را ادامه داده باشد. با این وصف بنا به گفته مورخین، پسر دیگر خلف به نام ابو حفص یا نوه وی به نام طاهر، به جانشینی وی رسیده‌اند. اما به سختی می‌توان شواهد مسکوکاتی ارائه کرد که آشکارا دال بر آن باشد که طاهر پسر خلف، سکه‌هایی را احتمالاً با نام خلیفه القادر یا امیر محمود غزنوی در سیستان رواج داده باشد.

نتیجه جدید و جالب مطالعه این سکه‌ها، کشف نوشته‌ای بر روی آنها است که تاکنون ثبت نشده است. این نوشته بر روی سکه‌های طلای خلف (شماره‌های ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۳) حک شده و با متصل کردن آنها به همدیگر، می‌توان مضمون ذیل را قرائت نمود:

وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأَلَيْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

این مضمون بخش پایانی آیاتی است که دو بار در قرآن کریم آمده (سوره ۵۹، آیه ۹ و سوره ۶۴، آیه ۱۶) و می‌توان آن را اینگونه ترجمه نمود:

«و هر کس خود را از بخل و حرص دنیا نگهدارد آنان به حقیقت رستگارند.»

پرفسور واسمر، که قرائت خود را با وی در میان نهادم، طی نوشته‌ای موافقت خود را با آن اعلام نموده است. برای به تصویر کشیدن و اثبات کشف رمز نوشته فوق و نیز نوشته دیگری که بر روی سکه‌های مفرغین (شماره ۲۳، ۲۴ و ۲۰) به چشم می‌خورد، شاید بهتر باشد تا این نمونه‌ها را به قرار ذیل فهرست نمائیم تا نشان داده شود چگونه یک نوشته، نوشته دیگری را تکمیل می‌نماید.

No.23

No.24

No.30

Koran
۸۸۳.3.

No.50

No.6۱

No.52

No.55

Koran
۸۸۳.۹.

فهرست سکه‌ها

اللیث بن علی

۲۹۶-۲۹۸ ه‍.ق / ۹۱۰-۹۰۸ م [متوفی ۳۱۷ ه‍.ق]

۱- (مدینه) زرنج. ۲۹۶ ه‍.ق / ۹۰۸ م. نقره.

Fraehn= Recensio.p.37,No.8=Vasmer 91.

۲- فارس. ۲۹۷ ه‍.ق / ۹۰۹ م

Lane-pool in Numismatic chronicle,1892,p.162=V.92.

حاشیه بیرونی پشت و روی سکه:

بالنصر / والظفر / واليمن / والسعادة.

با یاری و پیروزی و موفقیت و سعادت

۳- (مدینه) بُست. ۲۹۸ هرق / ۹۱۰ م. نقره.

۱/۰۵، وزن ۴۰/۲ grains (۲/۶ گرم)

B.M. Cat. II, No. 250 = V. 93

لااله الا الله وحده / لا شریک له

اللیث بن علی

نیست خدایی جز خدای یکتا، یکتاست و شریکی ندارد. ^(۱۴) اللیث بن علی.

حاشیه داخلی:

بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدينة بست سنة ثمان و تسعين ومائتين

British Museum

به نام خدا، این درهم در شهر بست به سال ۲۹۸ هرق ضرب شده است.

حاشیه بیرونی:

لله الامر من قبل ومن بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله.

فرمان و اقتدار از ازل تا ابد از آن خداوند است و آن روز مؤمنان به یاری خداوند شادمان

می شوند.

له / محمد / رسول / الله / المقتدر بالله.

پشت سکه: الله! ^(۱۵) محمد فرستاده خداوند است. المقتدر بالله (خلیفه عباسی در بغداد که

قدرت چندانی نداشت).

حاشیه:

محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و وکره المشرکون: محمد

فرستاده خداوندی است، که او را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و

برتری دهد، هر چند مشرکان ^(۱۶) ناراضی و مخالف باشند (قرآن، سوره ۹، آیه ۳۳).

لوحه I. ۱.

المعدّل بن علی

۲۹۸-۲۹۹ هـ ق / ۹۱۱-۹۱۰ م

هیچ سکه‌ای از وی شناسایی نشده است.

عمرو بن یعقوب

۳۰۰ هـ ق / ۹۱۲ م

هیچ سکه‌ای از او شناسایی نشده

کثیر بن احمد

[شورش]

حدود ۳۰۶-۳۰۴ هـ ق / ۹۱۸-۹۱۶ م

۴- سجستان، (۱۷) ۳۰۶ هـ ق، نقره.

وزنه ۵۲/۸ (۳/۵۵)

B.M. Cat.,III,No.29.

والوفا/ همچون شماره ۳/ کثیر بن احمد بالعدل /

همچون شماره ۳/ اما با نام کثیر بن احمد و نوشته: - با عدالت و وفا.

حاشیه داخلی همچون شماره ۳، اما

بسجستان سنه ست و ثلثمائة:

در سجستان به سال ۳۰۶.

حاشیه بیرونی (قرآن، سوره ۳۰، آیه ۴۰۳).

پشت سکه: نوشته‌ها همچون شماره ۳، اما با * در پائین نوشته وسط.

حاشیه: (قرآن، سوره ۹، آیه ۳۳)، همچون شماره ۳.

لوحه ۲.

(ابوجعفر) احمد بن محمد

حدود ۳۴۹-۳۱۰ هـ ق / ۹۶۰-۹۲۲ م

الف: بدون نام خلیفه

۵- محل ضرب محو شده است. ۹ یا ۷ و ۳۲۴ هرق؟

۰/۴۵، وزن ۱۱/۷ (۰/۷۶)

B.M.Cat., III, No. 32. (۱۸)

نیست خدایی جز خدای یکتا. او شریکی ندارد.

حائیه: تاریخ.

پشت سکه: همچون شماره ۳؛ اما نام خلف به جای نام خلیفه افزوده شده است.

حائیه: بخشی از آیه ۳، سوره سبی ام قرآن.

لوحه I، ۳.

ب: با نام خلیفه

۶- زرنج، (۱۹) ۳۳۲ هرق؟

۰/۵، وزن ۱۱/۵ (۰/۷۵).

B.M.Cat., III, No. 30.

نیست خدایی جز خدای یکتا. محمد فرستاده خداوند است.

حائیه: محل ضرب و تاریخ

پشت سکه: اللّٰه! المتکى لله (خلیفه عباسی) خلف.

حائیه: همچون شماره ۳، اما فقط تا الحق نوشته شد. (قرآن. سوره ۹، آیه ۳۳).

لوحه I، ۴.

۷- زرنج، ۳۳۴ هرق، طلا.

۰/۶، وزن ۱۵/۲ (۰/۹۸).

B.M.Cat., III, No. 31.

همچون شماره ۵؛ اما خط آخر خلف.

حائیه: بسم الله ضرب هذا الدينير بزرنج سنة اربع و ثلثن و ثلثمائة.

پشت سکه: محمد فرستاده خدا است، و نام خلیفه عباسی المستکفی بالله.

حاشیه همچون قبل.

لوحهٔ ا. ۵.

۸- سجستان، ۲۴۳ هـ.ق، طلا.

۰/۹، وزن ۳۳/۲ (۲/۱۵). (۲۰)

Codrington (Tate). J.R.A.S. 1905, p.594.

تصویر آن در J.R.A.S. 1911, Fig.5 آورده شده است.

خدایی نیست و غیره. با اسامی المطیع لله، خلیفهٔ عباسی، احمد بن محمد و خلف.

حاشیه همچون معمول؛ اما با نام محل ضرب سجستان و تاریخ ۳۴۳.

پشت سکه: خدایکی است! خداوند ازلی است! نه زاده شده است و نه می‌زاید! و برای او مثل

و ماندنی نیست (قرآن، سورهٔ ۱۱۲، آیهٔ ۴-۱).

این مضمون به عنوان نمونهٔ کامل تعالیم قرآن در نظر گرفته می‌شود. این تعالیم آشکارا در

تعارض با الهیات مسیحی است. از این رو است که این مضمون مکرراً بر روی سکه‌های خلفای

اموی به چشم می‌خورد و اغلب به عنوان سمبل امویان از آن یاد می‌شود.

حاشیه همچون شمارهٔ ۳.

لوحهٔ ل. ۶.

الف: با نامهای خلیفه، الحسین بن بلال و احمد بن محمد

۹- سجستان، ۳۲۰ هـ.ق، نقره.

۱/۱، وزن ۲۴/۱ (۲/۲۱). (۲۱)

ارمیتاز، لنینگراد. (۲۱)

همچون شمارهٔ ۳ اما با نام الحسین بن بلال. حاشیه داخلی همچون بالا؛ اما با تاریخ ۳۲۰.

حاشیهٔ بیرونی همچون شمارهٔ ۳، (قرآن، سورهٔ ۹، آیهٔ ۳۳).

پشت سکه: همچون شمارهٔ ۳؛ اما پس از نام خلیفه المقتدر، اسم احمد بن محمد آمده است.

همچون شمارهٔ ۳، (قرآن، سورهٔ نون، آیهٔ ۳۳).

قسمتی از سکه مفنود شده است.

لوحة II، ۷.

۱۰- سجستان، ۳۲۱ هـ ق. نقره.

۱/۲۵. موزه کیزر (بصر)، فردریش، برلن بنگرید به

Weyl: Verzeichniss der Fonrobert'schen sammlung. 1878, No. 6741, and

Zeitschrift fur Numismatik, Berlin, 1882, p16.

همچون فوق، اما با تاریخ ۳۲۱.

پشت سکه: همچون فوق، فقط با نام خلیفه القادر بالله.

یک نوار حاشیه‌ای بیرونی هم بر پشت و هم بر روی سکه وجود دارد.

لوحة II، ۸.

۱۰- محل ضرب و تاریخ از بین رفته است. نقره.

۷/۱۰ ارمیتاژ، لنینگراد.

همچون شماره ۹؛ اما نوشته نام حاکم با خطی شکسته تر است.

پشت سکه: همچون شماره ۹؛ اما نوشته با خطی شکسته تر است.

این قطعه، که تمامی نوشته‌های حاشیه‌ای آن از بین رفته است، چنانکه پرفسور واسمر به من اطلاع داده است، از گنجینه بروزی (Berozy) در منطقه دیمیتروفسک به سال ۱۹۱۰ م، به دست آمده است.

از آنجایی که نام خلیفه المقتدر بر روی آن به چشم می‌خورد، نباید جدیدتر از سال ۳۲۰

باشد.

لوحة II، ۸a.

ب: با نامهای خلیفه، ابوجعفر واحمد بن محمد.

۱۱- سجستان، ۳۲۱ هـ ق. نقره.

۱/۲، وزن ۴۱/۹ (۲/۷۲).

Ermitage= Markow p.190, No-1.

همچون فوق، اما خط چهارم ابوجعفر (یعنی کنیه احمد بن محمد). تاریخ ۳۲۱.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما نام خلیفه به طور مجزا.

لوحة II، ۹.

این سکه را تیسنهوزن معرفی کرده (Numismatische Zeitschrift III, p.178f.).

وی این نام را الراضی بالله قرائت کرده است، هر چند حکومت این خلیفه سال ۳۲۲ آغاز

می‌شود. می‌توانیم القادر بالله نیز آن را قرائت نمائیم.

۱۲- سجستان، ۳۲۳ هـ، نقره.

۱/۲، وزن ۳۲/۱ (۲/۰۸).

Ermitage= Markow, p.109, No.2.

همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۲۳.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما با نام خلیفه که به طور آشکار الراضی بالله می‌باشد.

Tiesenhausen (op.cit.) No.22, p.179.

لوحة II، ۱۰.

۱۳- سجستان، ۳۲۴ هـ، نقره.

۱/۲۵، وزن ۵۰/۵ (۳/۲۷).

Ermitage= Markow, p.109, No.3.

همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۲۴.

پشت سکه: همچون فوق.

حاشیه بیرونی بر پشت و روی سکه ایجاد شده است.

Tiesenhausen (op.cit.) No.23, p.179.

لوحة II، ۱۲.

ج: با نام خلیفه، احمد (بن محمد)

۱۵- (مدینه) سجستان (؟) ۳۴۶ یا ۳۴۳. نقره.

۰/۶۵، وزن ۵/۹ (۰/۳۸).

B.M. (McMahon) unpublished.

با نام خلیفه المطیع لله

حاشیه: سجستان (؟) سنة (؟) اربعین و ثلثمائة

پشت سکه: با نام احمد بن محمد.

حاشیه:

بسم الله ضرب هذا الدارهم [بمدینه]

این سکه بسیار نازک ضرب شده، و نورشته‌های حاشیه از پشت سکه آغاز و تا روی سکه ادامه

پیدا می‌کند، که خیلی نادر است.

لوحة II، ۱۳.

۱۶- بدون محل ضرب، ۳۳۹ هرق، نقره.

۰/۴، وزن ۴/۲ (۰/۲۷).

B.M. (McMahon), unpublished.

نیست خدایی جز خدای یکتا، او شریکی ندارد.

حاشیه: تاریخ ۳۳۹.

پشت سکه: با اسامی خلیفه المطیع و احمد.

حاشیه همچون روی سکه.

لوحة II، ۱۴.

۱۷- بدون محل ضرب، ۳۴۰ هرق، نقره.

۰/۴، وزن ۵/۳ (۰/۳۴).

B.M. (McMahon), unpublished.

همچون فوق.

حاشیه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۰.

پشت سکه: همچون فوق.

حاشیه ناخوانا.

لوحة II، ۱۵.

۱۸- بدون محل ضرب، تاریخ ناخوانا، نقره.

وزن ۴/۲ (۰/۲۷).

B.M. (McMahon), unpublished.

همچون فوق؛ اما حاشیه ناخوانا می باشد.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما حاشیه ناخوانا می باشد.

لوحه II، ۱۶.

۱۹- محل ضرب و تاریخ ناخوانا می باشد، نقره.

وزن ۴/۶ (۰/۳۰).

B.M. (McMahon), unpublished.

همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق.

این جنس نادر نقره تنها در زمان این حکومت شناسایی شده است.

لوحه II، ۱۷.

د: با نامهای خلیفه، خلف و احمد بن محمد

۲۰- سجستان، ۳۴۹ هـ ق.

وزن ۲۴/۲ (۱/۵۹).

قطعه شکسته، ارمیتاژ.

با نامهای خلیفه المطیع، احمد بن محمد و خلف.

حاشیه نشانگر بخشی از محل ضرب و ۴۹ از سال ضرب است.

پشت سکه: همچون شماره ۸.

حاشیه: بخشی از سوره ۹، آیه ۳۳ قرآن، همچون شماره ۳.

لوحه III، ۱۸.

پروفسور واسمر به من اطلاع داده که این قطعه از مجموعه‌ای به دست آمده که به سال ۱۹۲۳ در واسکو (Vaskovo)، منطقه ولیکیه لوکی (Velikiya Luki)، شمال غرب روسیه یافت شده

است.

الف: با نام خلف

۲۱- سجستان، ۳xx^(۲۲) هرق. مفرغ.

۰/۹۵، وزن ۴۱/۴ (۲/۶۸).

B.M. Cat., III, No. 33.

ولی^(۲۳) (؟) / لا اله الا الله وحده / لا شریک له / ح.ح.

ح = حرف آغازین خلف (؟).

حاشیه:

بسم الله ضرب هذا [الفلس؟] بسجستان سنه ای ثلثین ثلثمائة.

پشت سکه:

لله / محمد / رسول / الله / خلف.

حاشیه: قرآن، سوره ۳۰، آیات ۳ و ۴، همچون روی سکه شماره ۳.

لوحة III، ۱۹.

۲۲- سجستان، تاریخ ناخوانا است، سوراخ شده، مفرغ.

۱/۰۵، وزن ۳۹/۵ (۲/۵۶).

B.M. (Tate) unpublished.

همچون فوق؛ اما بعضی قسمت‌ها چندان مشخص نمی‌باشد.

پشت سکه: همچون فوق.

لوحة III، ۲۰.

ب: با نام ابوجعفر احمد بن محمد.

۲۳- زرنج، ۳۲۷ هرق، مفرغ.

۰/۸، وزن ۲۴/۳ (۱/۵۷).

Codrington (McMahon) No. 2, Fig. 2.

همچون شماره ۱۱.

حاشیه با نام زرنج و تاریخ.

پشت سکه: همچون شماره ۱۱؛ اما نام خلیفه حذف شده است.

حاشیه: قرآن، سوره ۳۰، آیه ۳.

لوحة III، ۲۱.

کودرینگتون این سکه را سال ۳۳۴ تاریخ‌گذاری کرده؛ اما این تاریخ به طور قطع ۳۲۷ با ۳۲۹

می باشد. همچون حاشیه پشت سکه، که مشخصه این دسته از سکه‌های مفرغین می باشد، هم لین

بول و هم کودرینگتون نوشته را ناخوانا اعلام نموده اند. بنگرید به صفحه ۲۱.

۲۴- زرنج، ۳۲۷ هـ.ق، مفرغ.

وزن ۰/۸۵، ۲۷/۶ (۱/۷۹).

B.M. (McMahon).

همچون فوق، تاریخ روشتر است، بنگرید به صفحه ۲۱.

لوحة III، ۲۲.

۲۵- زرنج، ۳۲۸ هـ.ق، سوراخ شده، مفرغ.

وزن ۰/۸۵، ۳۲/۲ (۲/۰۹).

B.M. (McMahon)

همچون شماره ۱۶.

حاشیه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۲۸.

پشت سکه: با نام ابوجعفر.

حاشیه: (به امر) امیراحمد بن محمد.

خداوند او را عالی مرتبه گرداند.

لوحة III، ۲۳.

۲۶- زرنج، ۳۲۸ هـ.ق، مفرغ.

وزن ۰/۷۵، ۲۹/۷ (۱/۹۲).

B.M. (McMahon).codrington, Fig.3

با وجود این وی نتوانسته است این نوع سکه‌ها را تاریخ‌گذاری نماید.
همچون فوق؛ اما با دو خط زیر ابوجعفر.
حاشیه همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق. *سکه زرین در سلسله صفاریان*
حاشیه: ردیف دوایر برجسته. *سکه زرین در سلسله صفاریان*
لوحه III، ۲۴. *سکه زرین در سلسله صفاریان*
۲۷- زرنج، [۸۹] ۳۲، مفرغ.
۱۱/۸۵ وزن، ۳۴/۸ (۲/۲۶).

B.M. (McMahon)

همچون فوق، اما تاریخ چندان روشن نمی‌باشد.
پشت سکه، همچون فوق.

لوحه III، ۲۵. *سکه زرین در سلسله صفاریان*
۲۸- سکه‌ای دیگر احتمالاً متعلق به همان سال، مفرغ.
۱۱/۸ وزن ۲۷/۷ (۱/۷۹).

B.M. (McMahon)

همچون فوق.
پشت سکه: همچون فوق؛ اما بدون لله در بالا.

لوحه III، ۲۶. *سکه زرین در سلسله صفاریان*
۲۹- بدون محل ضرب یا تاریخ، مفرغ.

۱۱/۸۵ وزن ۴۰/۴ (۲/۶۲).

B.M. (McMahon) codrington, Fig.4.

در این سکه عجیب، پشت سکه شماره ۲۷ با پشت سکه شماره ۲۸ با هم ترکیب شده است.
لوحه III، ۲۷.

ج: بدون نام خلیفه یا ابوجعفر

همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۱.

لوحة IV، ۳۴.

۳۷- سجستان، ۳۴۲ ه.ق، مفرغ. ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

۰/۹، وزن ۴۱ (۲/۲۶). ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

B.M. (Tate).

همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۲.

لوحة IV، ۳۵.

۳۸- سجستان، ۳۴۳ ه.ق، مفرغ. ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

۰/۸۵، وزن ۳۶/۱ (۲/۳۴). ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

B.M.Cat., III, No.35.

همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۳.

لوحة IV، ۳۶.

۳۹- سجستان، ۳۴۳ ه.ق، مفرغ. ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

۰/۸۵، وزن ۳۶/۶ (۲/۳۷). ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

B.M. (Tate).

همچون فوق.

پشت سکه: همچون فوق.

لوحة IV، ۳۷.

۴۰- سجستان، ۳۴۴ ه.ق، مفرغ. ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

۰/۸۵، وزن ۲۹/۵ (۱/۹۱). ریزه نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شهریورماه ۸۰

B.M. (Tate).

همچون فوق؛ اما نسبتاً محو شده است.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۴.

لوحة ۱۷، ۳۸.

ه: با نام خلیفه، خلف و ابو جعفر احمد بن محمد

۴۱- سجستان، ۳۴۶ هـ ق، مفرغ.

وزن ۰/۹، ۲۱/۹ (۱/۲۲). به جای ع. ...

B.M. (Tate). (۲۴)

سطح سکه دارای ویژگیهای آرابسک (arabesque)، المطیع لله وخلف درسه خط.

حاشیه همچون شماره ۳۴.

پشت سکه، سطح: (این سکه ای است) که به فرمان امیر ابو جعفر احمد بن محمد ضرب شده

است؛ خداوند او را قدرتمند گرداند.

حاشیه همچون فوق؛ اما با تاریخ ۳۴۶.

لوحة ۱۷، ۳۹.

۴۲- سجستان، ۳۴۶ هـ ق، مفرغ.

وزن ۰/۹، ۲۸ (۱/۸۱). ...

B.M. (Tate).

همچون فوق، با قسمت هایی از نوشته که کمی واضحتر است.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما کمی واضحتر.

لوحة ۱۷، ۴۰.

ابواحمد (خلف بن احمد)

خلف ب..... احمد

حدود ۳۹۹-۳۴۹ هـ ق / ۱۰۰۸-۹۶۰ م.

الف) با نام خلیفه المطیع (۳۶۳-۳۳۴)

۴۳- سجستان، ۳۶۲ هـ ق، طلا.

۰/۵، وزن ۲۴/۴ (۱/۵۸).

Zambaur, Contributions. No.436.

۴۴- سجستان، ۳۶۶^(۲۵) ه.ق، طلا.

۰/۵، وزن ۱۸/۶ (۱/۲۱).

B.M.Cat.,III, No.36.

در دایره: ۵ محمد فرستاده خداوند است، و ع.

حاشیه: خدایی نیست جز خدای یکتا و غیره.

پشت سکه، در دایره: المطیع لله / خلف بن احمد / عدل.

حاشیه: محل ضرب و تاریخ ۳۶۶.

لوحه ۴۱، ۵۷.

۴۵- سجستان، تاریخ مشخص نیست،^(۲۶) طلا.

۰/۵۵، وزن ۱۹/۳ (۱/۲۵).

ارمیتاز.

محمد فرستاده خداوند است.

حاشیه: بقایای نوشته.

پشت سکه: همچون فوق.

حاشیه: محل ضرب و قسمتی از تاریخ.

لوحه ۴۲، ۵۷.

۴۶- سجستان، ۳xx، طلا.

۰/۵، وزن ۱۸ (۱/۱۷).

B.M.Cat.,III, No.37.

همچون شماره ۴۴؛ اما قسمت بالای آن از بین رفته است.

حاشیه: همچون شماره ۴۴. ۲۶۶-۲۶۷ (۲۶۶)

پشت سکه: همچون فوق.

حاشیه: محل ضرب و قسمتی از تاریخ.

لوحة IV، ۴۳. سکه در خطیست و در خطیست. نشان و سکه در خطیست.

۴۷- سجستان، ۳۳، طلا.

۰/۴۵، وزن ۸/۷ (۰/۵۶).

B.M.Cat., III, 39. (7) 197.

همچون فوق؛ اما در زیر ک، به جای ع. این دایره برجسته در زیر.

حاشیه: بقایای همان نوشته همچون فوق. نشان و سکه در خطیست.

پشت سکه: همچون فوق؛ اما حاشیه نشانگر قسمتی از تاریخ است. (B.M.Cat., III, 39).

لوحة IV، ۴۴. وزن ۱۲ (۰/۷۸).

۴۸- سجستان، تاریخ مشخص نیست، طلا.

۰/۴۵، وزن ۱۲ (۰/۷۸).

B.M.Cat., III, No. 38.

همچون شماره ۴۴.

پشت سکه: المطیع / لله / خلف بن احمد؟ خط چهارم احتمالاً نشان دهنده کنیه وی، ابواحمد

می باشد. نشان و سکه در خطیست.

حاشیه: ناخوانا.

لوحة IV، ۴۵.

۴۹- سجستان (؟) (؟)، ۳۶۱ ه. ق، مفرغ.

۰/۸۵، وزن ۲۰/۱ (۱/۳۰)

B.M.(McMahon) (27)

هر چند، هنگامی که وی پیش از این، نمونه را در مجموعه تیت توصیف کرده بود

(J.R.A.S., 1905, p. 550)، نتوانسته بود نوشته های حاشیه سکه را بخواند. من نیز نتوانسته ام

نمونه های دیگری از این فلس را در جای دیگر شناسایی کنم. کودرینگتون همچنین در خواندن

نام محل ضرب سکه اشتباه کرده است. جالب است بدانیم که نوشته های حاشیه به چهار قسمت

تقسیم شده است.

در دایره: خلف بن احمد، بالا، طرح آرابسک.

حاشیه: بقایای نوشته با نام محل ضرب.

پشت سکه، در دایره: انمطیع لله، بالا، طرح آرابسک.

حاشیه: تاریخ (؟) ۳۶۱.

لوحه IV، ۴۶.

نمونه سالمترین سکه با ممین تاریخ و محل ضرب در اکسفورد موجود است.

(Lane-poole, Cat. of the Mohammedan Coins preserved in Bodlien library, p.6).

ب: با نام خلیفه الطائع (۳۸۱-۳۶۳)

۵۰- نام محل ضرب محو شده است، ۳۷۵ هـ.ق، طلا.

وزن ۰/۵۵، ۲۹/۵ (۱/۹۱).

B.M. Cat., III, No. 40.

در بین دو دایره: خدایی نیست جز خدای یکتا، خلف بن احمد.

حاشیه: تاریخ ۳۷۵.

پشت سکه: محمد فرستاده خداوند است و نام خلیفه الطائع، تزئین در قسمت پائین.

حاشیه: برای متن کامل نوشته قرآن، سوره ۵۹ آیه ۹ و سوره ۶۴، آیه ۱۶، بنگرید به صفحه

۱۹. (۲۸)

۵۱- محل ضرب محو شده است، ۳۷۶ یا ۳۷۳ هـ.ق، طلا.

وزن ۰/۵، ۱۳/۶ (۰/۸۸).

B.M. Cat., III, No. 41.

همچون فوق، اما تا حدودی از بین رفته است، ستاره هشت پر در زیر.

حاشیه: تاریخ ۳۷۳ یا ۳۷۶، عدد آخر سه یا شش می باشد.

پشت سکه: همچون فوق اما دایره برجسته در زیر.

حاشیه: همچون شماره ۵۰.

لوحة IV، ۴۸.

نام خیفه اناندر (۴۴۱) من المذکوره نامی در مجموعه نیا، در کتیبه

در تصویر، پشت سکه بالا و روی سکه در پائین دیده می شود. ۸۷۰ خلیفه در کتیبه

۵۲- سجستان، ۳۷۸ هـ ق، طلا. اما در مجموعه اناندر: منسوخ بر رویه معلقه آید، و در کتب مشهور

وزن ۲۱/۵ (۱/۳۹).

B.M.(McMahon).

همچون شماره ۵۰؛ اما در یک دایره، تزئین دایره برجسته در زیر.

حاشیه: همچون فوق، اما کامل، ضرب سجستان، سال ۳۷۸.

پشت سکه: همچون شماره ۵۰؛ اما تزئین متفاوت در زیر.

حاشیه: همچون فوق.

لوحة IV، ۴۹.

این سکه را کودرینگتون در منبع زیر به تصویر کشیده است:

Codrington, J. R. A. S., 1911, Fig. 7.

۵۳- سجستان، ۲[۷]۹ هـ ق، طلا.

وزن، ۰/۸، ۲۵/۱ (۱/۶۳).

B.M.(Tate).

همچون شماره ۵۲، فقط در بالا، الدوله و پائین ه ه.

حاشیه: همچون ۵۲، اما با تاریخ ۳۷۹.

پشت سکه: همچون شماره ۵۲، زیر ه ه.

حاشیه: همچون فوق.

لوحة V، ۵۰.

۵۴- محل ضرب محو شده است، ۳۷۸ هـ ق، مفرغ.

وزن ۱/۰۵، ۵۵/۳ (۳/۵۸).

B.M. Cat., Add. IX, p. 268.

در دایره نقطه های برجسته: یاری از آن خداوند است!

حاشیه درونی: همچون حاشیه شماره ۴۴.

حاشیه بیرونی: تاریخ ۳۷۸.

پشت سکه، در دایره تقطه‌های برجسته: الله! محمد فرستاده خداوند است، و با نامهای خلیفه الطائع و خلف بن احمد، تزئین درزیر.

حاشیه: فرمان و اقتدار از ازل تا ابد از آن خداوند است و آن روز مؤمنان به یاری خداوند شادمان می‌شوند (قرآن، سوره ۳۰، پایان آیه ۳ و آغاز آیه ۴).

لوحه ۷، ۵۲.

لین پول، نتوانسته است ثمان (۸) را تشخیص دهد؛ اما با کمی تمیز کردن، عدد واضحتر شد. او نوشته وسط روی سکه را نصرین نوح خوانده است؛ حال آنکه این نوشته عبارت قرآنی نصر من الله (یاری از آن خداوند است) می‌باشد.

الحسین بن ظاهر

شورشى

۵۵- محل ضرب و تاریخ از بین رفته است، طلا.

۰/۵، وزن ۱۸/۹ (۱/۲۲).

B.M. Cat., III, No. 42.

در دایره، همچون شماره ۴۴؛ اما با الله! به جای دواير تزئینی. ع = حرف آغازین عدل. حاشیه از بین رفته است.

پشت سکه، در دایره: الطائع لله، الحسین بن ظاهر در سه خط. حاشیه از بین رفته است.

لوحه ۷، ۵۳.

نام خلیفه، الطائع تاریخ این سکه را به دوره‌ای بین ۳۶۳ تا ۳۸۱ ه.ق. تاریخ‌گذاری می‌نماید؛ اما اینکه این سکه در زمان شورش اول یا دوم ضرب شده، مسئله‌ای است که نمی‌توان به‌طور قطع آن را مشخص نمود. زامباور، حسین را نوۀ خلف دانسته است (Zambaur, op. cit. p. 201). به نظر من این مسئله کاملاً نادرست است.

با نام خلیفه القادر (۴۲۲-۳۸۱ هـ ق)

۵۶- سجستان، ۳۸۴ هـ ق، نقره.

۱/۲، وزن ۹۴/۱ (۶/۱)

Berlin Museum.

در دایره داخلی، با خطی بسیار زیبا: خدایی نیست جز خدای یکتا، او شریکی ندارد.

در زیر ستاره هشت پر و مثلث بوجود آمده با دوایر کوچک و یک دایره کوچک تنها.

حاشیه: به نام خدا این درهم به سال ۳۸۴ در سجستان ضرب شده است، دایره بیرونی با نقاط

برجسته پر شده است.

پشت سکه: در وسط با حرف مزین همچون شماره ۵۴، و با نام خلیفه القادر بالله، و در پایین

ولی الدوله، و عدل، همه این نوشته‌ها درون دایره نقطه‌های برجسته قرار دارند.

حاشیه: همچون پشت سکه شماره ۳ (قرآن سوره ۹، آیه ۳۳).

لوحه ۷، ۵۴.

این سکه جالب باید مدت کوتاهی پس از این که خلف دوباره امارت را از حسین بن طاهر

شورش پس گرفت، ضرب شده باشد. تا جایی که می‌دانیم این سکه تنها نمونه‌ای است که لقب

جدید ولی الدوله بر روی آن به چشم می‌خورد. (رجوع شود به ص ۱۵)

طاهر بن خلف

[پسر شورش خلف]

با نام امیر غزنوی

۵۷- محل ضرب و تاریخ آن از بین رفته است.

۱۰/۸۵، وزن ۳۵/۸ (۲/۳۲).

Ermitage= Markow, 4th suppl.966, No.4a.

در وسط، درون دایره ساده: نیست خدایی جز خدای یکتا، و با نام طاهر بن خلف.

حاشیه: بخشی از نوشته تاریخ سکه.

پشت سکه، در وسط، درون دایره ساده: همچون شماره ۵۴، و با نام خلیفه القادر بالله و در زیر آن نام محمود امیر غزنوی که در سال ۳۹۳ هـ ق / ۱۰۰۲ م سیستان را تسخیر نمود.

حاشیه: همچون شماره ۵۶ (بخشی از آیه ۳۳ سوره ۹ قرآن).

لوحه ۷، ۵۵.

منابع و یادداشتها

- ۱- در حروف نویسی لغات عربی از روش بسیار ساده‌ای استفاده شده است. برای نشان دادن حروف صامتی مثل ع که مشخصه زبان‌های سامی است از یک ویرگول استفاده شده است. به جز این مورد روش دیگری در خصوص حروف متصل یا کلمات کثیرالاستعمال به کار نرفته است. همچنین برای نشان دادن صوت‌های بلند کوششی نشده است. به کارگیری شیوه نگارش دقیق‌تری در این زمینه مستلزم صرف هزینه‌های زیادی بود که به هیچ عنوان قابل جبران نبود. نویسنده مدیون مقامات موزه‌های ارمیتاژ لنینگراد و کیزر (قیصر) فردریش برلین در خصوص اجازه انتشار سکه‌های آن موزه‌ها می‌باشد.
- آقای هولند وود در تصحیح مدارک و تهیه مواد این متن مرا کمک بسیار نموده است که از ایشان و کمیته انتشارات انجمن سکه‌شناسی آمریکا صمیمانه تشکر می‌نمایم.
- ۲- این اثر ترجمه کتاب زیر است:

Walker John, The coinage of the second, saffarid dynasty in istan, The American Numismatic society, New york. 1936. (یادداشت مترجم)

- ۳- بنظر می‌رسد اینان همان دینفری هستند که راورتنی آنان را به عنوان نوادگان لیث بن علی پنداشته است.

Raverty, Tabakat- i- Nasiri (Bibliotheca Indicia) London 1881 I.P.185.

۴- او در سال ۳۱۷ هـ ق / ۹۲۹ م درگذشت؛ بنگرید به: *Vasmer, p.154*

- ۵- سامانیان که در ابتدا حکام ماوراءالنهر بودند، سلسله‌ای قدرتمند بنیاد نهادند که آنان را قادر ساخت تا سلطه خود را بر بخش بزرگی از ایران کنونی گسترش دهند. حکومت آنان از ۸۷۴-۹۹۹ م به طول انجامید و پس از آن آل بویه جایگزین آنها گردیدند. اینان خدمات

بزرگی به پرورش ادبیات ملی ایران نموده و حامی پزشکان و فلاسفه بزرگی چون ابوعلی سینا (ابن سینا) و الرازی بودند. سامانیان از پایتخت خود، بخارا، سرسختانه به مخالفت با خلیفه بغداد که حاکمیتش صرفاً اسمی بود، می پرداختند.

۶- ابن اثیر (جلد ۸، ص ۵۸) وی را تنها احمد بن محمد بن الیث می خواند و بنابراین چند حلقه را در شجره شناسی او حذف می نماید.

۷- دلیلی وجود ندارد که این نام را نصغر قرائت نموده، آنچنانکه لین پول (کثیر) و یا ویل در کتاب تاریخ خلافت (کثیر) خوانده اند

8-Num. Chron. 1881,p.132. Ebn al Athir nous apprend implicite ment.

9- Sachau, Verzeichnis,p.11.

(برمنای کار منجم باشی). هر چند بوخر در دائرة المعارف اسلام، هنر سیستان ص ۴۵۹ تاریخ ۳۰۹ را ارائه می دهد.

10- Ibn al Athir, VIII,49.

11. B.de.jenisch: Histria prirum Regun persarim (ex Mirchond) num Viena,1782,p.107.

A Mansura, Filio Nuhi, in regnun Sistanie a.h. 353 et. seq. restitulus.

از این رو، در مورد تاریخ ارائه شده برای آغاز حکومت خلف که از سوی یوستی ارائه شده است، شکی وجود ندارد؛ اگر چه وی این شخص را پسر احمد بن اسماعیل ذکر نموده که در سال ۳۳۱ هـ/ ۹۴۲ م در گذشته است. این مسأله کاملاً نادرست است. (بنگرید به ص ۱۶۸). ابن مسکویه تفویض حکومت از سوی خلیفه به خلف را در ذیل سال ۳۵۴ آورده است. به نقل از کودرینگتون:

(Coodrington.op.cit.1911,p.782).

12- Une des gloires du sedjestan C. Barbier de Meynard: Dictionaire de la perse, paris, 1861,p.305.

13- The chronology of Ancient nations,ed. Saclau,p.330.

۱۴- بخشی از شهادتین مسلمانان. بخش پایانی که از قرآن سوره ۶ آیه ۱۶۳ گرفته شده (تضاد آشکاری با دکتین مسیحی تلیث دارد.

۱۵- برای تبیین معنای این عبارت، بنگرید به مقاله نگارنده در:

16- Cf . note 18.

۱۷- به معنی سیستان (سکستانا، سرزمین سکا) نيمروز نیز نامیده می‌شود (سرزمین نيمروز، جنوب خراسان) ضرابخانه مرکزی در زرنج مرکز این ایالت واقع شده بود.

۱۸- لین- پول تاریخ ۳۳x را ارائه نموده. اما این تاریخ قطعاً ۳۲x می‌باشد.

۱۹- لین- پول از قرائت نام محل ضرب ناتوان بوده است.

۲۰- یک حلقه فلزی به سکه افزود؛ شده، که باعث شکستگی سکه شده است.

۲۱- پرفسور واسمر به من گفت که این سکه به سال ۱۹۱۳ م از فردریش شاف (Friedrich shof) بدست آمده است. مقایسه شود با:

Sitzungsberichte der Gelehrten Estnischen Gesellschaft 1925,p.44,no.24.

۲۲- لین پول آن را ۳۲۵ (؟) قرائت کرده است. من مایلیم آن را ۳۳۱ بخوانم، اما به اندازه کافی مشخص نیست.

۲۳- آنچنانکه لین پول پیشنهاد کرده؛ این یک توئین نیست. احتمالاً اشاره به خلف به عنوان ولیعهد دارد.

۲۴- کودرینگتون این سکه را در مجله *J.R.A.S.,1905,p.550* و بار دیگر در همان مجله سال ۱۹۱۱ صفحه ۷۸۲ (تصویر ۶۱) منتشر کرده؛ اما وی نتوانسته است تاریخ آن را که به طور مقایسه‌ای همچون فوق قابل خواندن است، بخواند.

۲۵- همچنانکه لین پول اشاره کرده؛ خلافت ابن خلیفه در سال ۳۶۳ پایان می‌یابد؛ با این حال، تاریخ این سکه به طور قطع ۲۶۶ می‌باشد.

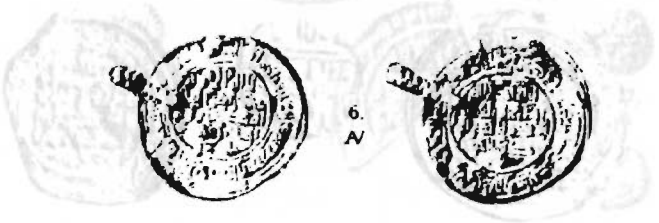
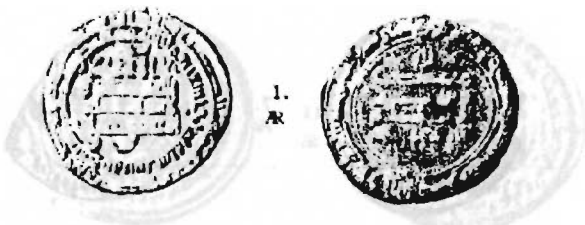
۲۶- پرفسور واسمر این سکه را سال ۳۶۵ تاریخ‌گذاری نموده؛ اما من نمی‌توانم که این نکته را تأیید کنم.

۲۷- این سکه را کودرینگتون در مقاله زیر به تصویر کشیده است:

Codrington,J.R.A.S.,1911,p.783,Fig.9.

۲۸- لین پول و کودرینگتون، هیچ کدام، نوشته حاشیه پشت این سکه را نتوانسته‌اند بخوانند.

سکه‌های سلسله دوم صفاری





7.
R



8.
R



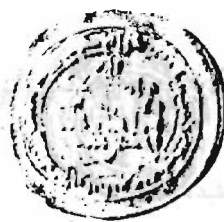
9. R



8.a
R



10.
R





11.
R



12.
R



14.
R



13.
R



15.
R



16.
R



18.
R



17.
R



16.
R



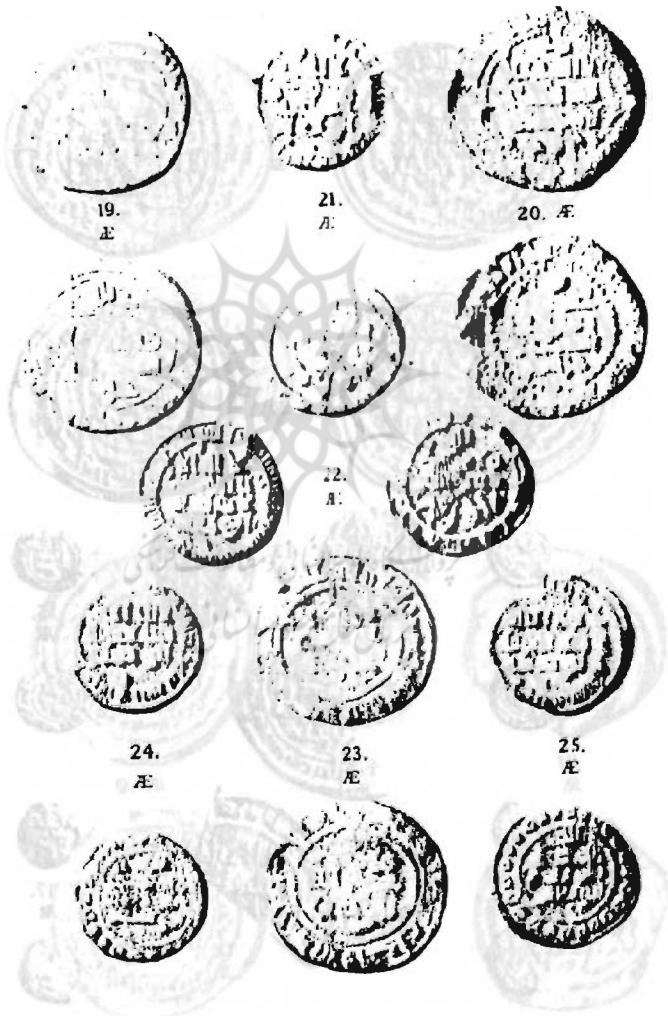
18.
R



17.
R



17.
R







33.
Æ



34.
Æ



35.
Æ



36.
Æ



37.
Æ



38.
Æ



39.
Æ

Persika



40.
A.



41.
AV



42.
AV



43.
AV



44.
AV



46.
Æ



45.
AV



47.
AV



48.
AV



